



The Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World



<https://doi.org/10.22034/fasiw.2025.544622.1513>



Article Type: Research paper

Explaining the Geopolitical Necessities of Iran's Presence in the Equations of the Islamic World (Case Study: Southwest Asia)

*Aye Shabani Kouchaksaraei¹, Alireza Mehrabi², Seyed Yahya Rahim Safavi³

1. PhD Graduate in Political Geography, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of Political Geography, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Professor of Political Geography, Faculty of Hazrat-e Mohammad (PBUH), Imam Hossein University, Tehran, Iran.

Article Info.

Received: 1/09/2025

Accepted: 17/10/2025

Available Online: 27/07/2026

Keywords:

Geopolitical Necessity, Iran, Southwest Asia, United States, Israeli Regime.

* Corresponding Author:

Aye Shabani Kouchaksaraei

Address: PhD Graduate in Political Geography, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

E-mail:

Ay_shabani@sbu.ac.ir

Abstract

Iran, relying on its geopolitical necessity and foundations, including its strategic and transitory location, human and natural characteristics, and historical centrality in the Islamic world, is considered a regional power in Southwest Asia. With this description, it is certain that global and trans-regional powers such as the United States and the Zionist regime, which are present in this region based on their principle of self-interest, are trying to either place Iran under their hegemony and authority, or reduce and prevent Iran's independent behavior in Southwest Asia, and, with priority, eliminate Iran as the pole of leadership of the Islamic world, which is present in countries in the region such as Iraq, Syria, and Lebanon in an effort to confront their sphere of influence of arrogance. In this article, using library documents and a descriptive-analytical method, we are trying to answer the question of to what extent Iran's presence in the Southwest Asia region has geopolitical logic and necessity, and what are the geopolitical consequences and dimensions of Iran's independent behavior and presence in this region? Certainly, Iran can play a special role in the Southwest Asia region by emphasizing its geopolitical characteristics.

How to Site:

Shabani, A., Mehrabi, A. and Safavi, S. Y. (2026). Explaining the Geopolitical Necessities of Iran's Presence in the Equations of the Islamic World (Case Study: Southwest Asia). *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 8(1), 2-30.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

تبیین ضرورت های ژئوپلیتیک حضور ایران در معادلات جهان اسلام (منطقه مورد مطالعه: جنوب غرب آسیا)

*آیه شعبانی کوچصفهانی^۱، علیرضا محرابی^۲، سید یحیی رحیم صفوی^۳

۱. دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی تهران ایران.
۲. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی تهران ایران.
۳. استاد جغرافیای سیاسی دانشکده پیامبر اعظم ص دانشگاه امام حسین (ع) تهران ایران.

اطلاعات مقاله

چکیده

کشور ایران با تکیه بر ضرورت و بنیان های ژئوپلیتیکی خویش، اعم از موقعیت استراتژیک و ترانزیتی، ویژگی های انسانی و طبیعی و محوریت تاریخی در جهان اسلام، به عنوان یک قدرت منطقه ای در جنوب غرب آسیا محسوب می شود. با این توصیف، قطعاً قدرت های جهانی و فرمانطقه ای همچون ایالات متحده و رژیم صهیونیستی نیز که بر اساس اصل منفعت جویی خود در این منطقه حضور دارند، در تلاش هستند تا یا ایران را تحت هژمونی و سلطه خود قرار دهند، یا از رفتار مستقلانه ایران در منطقه جنوب غرب آسیا بکاهند و جلوگیری نمایند، و با اولویت حذف ایران به عنوان قطب رهبری جهان اسلام - که در تلاش برای تقابل با حوزه نفوذ استکبار آن ها در کشورهای منطقه همچون عراق، سوریه و لبنان حضور دارد - به منافع خود دست یابند. در این مقاله، با بهره گیری از اسناد کتابخانه ای و روش توصیفی تحلیلی، در تلاش برای پاسخ به این سؤال هستیم که حضور ایران در منطقه جنوب غرب آسیا تا چه میزان دارای منطق و ضرورت ژئوپلیتیکی لازم بوده، و رفتار مستقلانه ایران و حضور در این منطقه چه نتایج و ابعاد ژئوپلیتیکی دارد؟ قطعاً ایران در منطقه جنوب غرب آسیا با تأکید بر ویژگی های ژئوپلیتیکی خود می تواند نقش آفرینی ویژه خود را داشته باشد.

تاریخ دریافت: ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۵ مهر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۰۵ مرداد ۱۴۰۵

کلیدواژه ها:

ضرورت ژئوپلیتیکی، ایران،
جنوب غرب آسیا، ایالات
متحده، رژیم صهیونیستی.

* نویسنده مسئول:

آیه شعبانی کوچصفهانی
نشانی: استادیار ارتباطات، دانشکده
علوم اجتماعی، دانشگاه ادیان و
مذاهب، قم، ایران.
پست الکترونیک:
Ay_shabani@sbu.ac.ir

استناد به این مقاله:

شعبانی کوچصفهانی، آیه، محرابی، علیرضا و صفوی، سید یحیی. (۱۴۰۵). تبیین ضرورت های ژئوپلیتیک حضور ایران در معادلات جهان اسلام (منطقه مورد مطالعه: جنوب غرب آسیا). *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۱۱(۸)، ۳۰-۲.

۱. مقدمه

شناخت واقعی از مؤلفه‌ها، قابلیت‌ها و امکانات هر کشور و در یک کلام بنیان‌های ژئوپلیتیکی از یک سو، و از طرف دیگر ترسیم اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های معطوف به تأمین امنیت ملی و قدرت ملی که همان شأن و منزلت ژئوپلیتیکی می‌باشد، در واقع چراغ راهنمای هر بازیگر بین‌المللی محسوب می‌شود. کشور ایران با بنیان‌های ژئوپلیتیکی خود که متأثر از جغرافیای آن است، در طول تاریخ همواره مورد توجه کشورهای جهان و به‌ویژه قدرت‌های جهانی بوده است. محیط سیاسی و راهبردی جمهوری اسلامی در درون حلقه‌های همپوشی، ماهیت منحصر به فرد کشور ایران پس از انقلاب اسلامی در طی دوره‌های تاریخی آن به گونه‌ای است که می‌تواند در اندازه یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شود و ایفای نقش کند. بدیهی است به دلایل فراوان از جمله همجواری با حوزه خلیج فارس، محوریت در جهان اسلام به‌ویژه تشیع، از اساسی‌ترین علقه‌های ایران می‌باشد. حضور پر قدرت ایران در کرانه‌های شرقی مدیترانه حاصل تمام ویژگی‌های برشمرده و متأثر از انرژی، نخستین انقلاب و بهترین گواه است که ایران در حد و اندازه‌های مورد توقع این نوشتار است. اما حضور گسترده قدرت‌های بین‌المللی و تقابل منافع آن‌ها با حضور ایران، موانعی جدی برای آنچه ایران شایسته آن است، ایجاد کرده است.

ایالات متحده نیز طی چهار دهه گذشته اصلی‌ترین بازیگر و قدرت فرمانطقه‌ای مؤثر بر روندهای امنیتی غرب آسیا به‌ویژه منطقه خلیج فارس بوده و طرح‌های امنیتی گوناگونی برای این منطقه برنامه‌ریزی و اجرا کرده است. گسترش پایگاه‌های نظامی در کشورهای این حوزه و رفت‌وآمد مکرر ناوها و زیردریایی‌های آمریکایی در آب‌های خلیج فارس خود گواهی بر این مهم است، و از طرفی به‌طور مشخص پس از یازدهم سپتامبر، در راهبرد ایالات متحده ضمن باقی ماندن مقولات انرژی و مناقشه اعراب‌اسرائیل، کمونیسم جای خود را به تروریسم داد. از طرفی رژیم صهیونیستی به‌عنوان شریک استراتژیک ایالات متحده، نگرانی و حساسیت زیادی نسبت به تحولات منطقه نشان داده است و دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی آن به‌صورت دقیق این تحولات را رصد کرده و می‌کنند؛ چرا که رژیم صهیونیستی از زمان شکل‌گیری با تگناها و چالش‌های امنیتی مهم و جدی روبه‌رو بوده است.

در منطقه جنوب غرب آسیا، ایران به دلیل داشتن مزیت‌های مختلف جغرافیایی و به واسطه

همجواری با مناطق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک جهان در ادوار مختلف تاریخی، و نیز موقعیت ویژه ترانزیتی، قرار گرفتن در بیضی استراتژیک انرژی و سایر مزیت‌های اقتصادی آن، و به‌ویژه مرکزیت فرهنگی و دارا بودن قطب شیعه و محوریت در جهان اسلام، می‌تواند بیشتر از قدرت ملی و جغرافیایی خود نقش ایفا نماید؛ این نقش در سیاست و نظم منطقه‌ای تأثیرگذار خواهد بود و اگر این نقش به عینیت و سرانجام برسد، عامل مهمی برای ارتقای موقعیت و سامان‌دهی روابط و نگاه سایر کشورهای منطقه با ایران، و از همه مهم‌تر نظم و پیشروی به سمت امنیت منطقه در آینده خواهد بود.

با این رویکرد، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که حضور ایران در منطقه جنوب غرب آسیا تا چه میزان دارای منطق و ضرورت ژئوپلیتیکی لازم بوده و رفتار مستقلانه ایران و حضور در این منطقه چه نتایج و ابعاد ژئوپلیتیکی دارد؟

۲. روش پژوهش

این پژوهش با توجه به ماهیت موضوعی‌اش، توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن به‌صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مکتوب شامل کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی گردآوری شده است. در این مقاله، به برشمردن ضرورت‌ها، بنیان‌ها و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در معادلات غرب آسیا پرداخته شده است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

حسین مهدیان و جلال ترکاشوند (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نظام‌مند تهدیدات ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا در گام دوم انقلاب اسلامی»، روند تحولات نظم ژئوپلیتیک منطقه جنوب غرب آسیا را مورد بررسی و تحلیل قرار دادند و در ادامه، بر اساس روش GT، مقوله‌های اصلی متن استخراج، تهدیدات موجود و در حال شکل‌گیری علیه موجودیت ج.ا.ایران و انقلاب اسلامی تبیین، و بر اساس مدل نظام‌مند استراوس‌کوربین، راهبردهای مؤثری برای مقابله با تهدیدات ژئوپلیتیکی ارائه نمودند.

مجید رسولی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین وزن ژئوپلیتیک ایران در معادلات

امنیتی منطقه جنوب غرب آسیا (در دوران گذار)» به تحلیل وزن ژئوپلیتیک ایران در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داده است که عامل ژئوپلیتیک به عنوان یک متغیر کهن، همچنان می تواند برای جمهوری اسلامی ایران امنیت ساز بوده و معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد.

حمیدرضا اکبری و جهانبخش ایزدی (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا» به ترسیم افق امنیتی منطقه غرب آسیا پس از انقلاب های عربی سال ۲۰۱۱ پرداختند. در این چهارچوب، رفتار اسلام گرایان در سه محور اصلی قابل بررسی است: نخست، افراط گرایی و خشونت با پیدایش جریان های نوظهور تکفیری مانند داعش؛ دوم، عدم توانمندی در حفظ قدرت و حاکمیت توسط جریان های اصیل و ریشه دار اسلام سیاسی مانند اخوان المسلمین؛ و سوم، تغییر در کشش گری جبهه مقاومت. این در شرایطی است که منطقه غرب آسیا، دوره ای پر از تنش و آشوب همراه با جنگ، خشونت و اختلافات مذهبی و قومی را تجربه می کند. آینده پژوهی از طریق بررسی روندها و سناریوهای اسلام سیاسی و جریان های اسلام گرا و نقش آن ها در شکل دهی نظم امنیتی منطقه غرب آسیا، موضوع این مقاله را شکل می دهد.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. ایران در نظریه های ژئوپلیتیکی

نظریه پردازان معروف در اندیشه های خود، موقعیت ایران را نادیده نگرفته اند و نقش بی نظیر این کشور را در تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی مطرح کرده اند. «مکیندر»، ایران را به دو بخش تقسیم می کند: از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء «هارتلند» یا «قلب زمین» و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می داند. «ماهان» در نظریه قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت بری روسیه به اقیانوس های جهان قرار دارد. ایران در نظریه «اسپایکمن»، بخش مهمی از «ریم لند» است و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت بری و بحری قرار گرفته است. «کوهن» هرچند در نظریه سیستمی خود از ایران به عنوان عنصری بی قرینه و کشوری بنیادگرا یاد می کند، ولی در نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهان، ایران را بخش مهمی از منطقه خردشده خاورمیانه می داند که می تواند

منشأ تحول باشد. از نظر «هانتینگتون»، ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی می‌تواند پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد. «مجتهدزاده» ایران را «هارتلند» جدیدی در ژئوپلیتیک پست‌مدرن تصور می‌کند و «فولر» از آن به‌عنوان «قبله عالم» یاد می‌کند. ایران در دیدگاه «توال»، سرچشمه تحرک و پویایی جهان تشیع و جهان اسلام است. «برژینسکی» نیز با توجه دادن دولتمردان آمریکا به واقعیت‌های ایران، راهکارهای منطقی را به آن‌ها پیشنهاد می‌دهد. از نظر «اریک ریتز»، ایران به‌عنوان یک عامل مهم تأثیرگذار در جهان اسلام و آسیای مرکزی باقی خواهد ماند (Hafeznia et al, 2012, 33).

۳-۱-۱. محدوده جغرافیایی تحقیق

محدوده جنوب‌باختری آسیا که مشخص‌کننده موقعیت منطقه بر اساس جایگاه آن در قاره آسیاست، در جنوب‌خاوری اروپا و شمال‌خاوری آفریقا قرار دارد. این گستره، سرزمین‌های میانه دریای مدیترانه و خلیج فارس را پوشش می‌دهد. از این‌رو، می‌توان آن را تقریباً درون یک مثلث گنجانده، به‌گونه‌ای که اضلاع این مثلث از تنگه بُسفر و داردانل در ترکیه تا کوه‌های پامیر در خاور، و از آنجا تا خلیج عدن و باب‌المندب را در بر می‌گیرد. این محدوده، گروه‌های فرهنگی گوناگونی مانند فرهنگ‌های عربی، ترکی، ایرانی و ... را در خود جای داده است. زبان‌های عربی، ترکی، فارسی، اردو، کردی و عبری از زبان‌های اصلی این منطقه به‌شمار می‌روند. اسلام در قالب مذاهب تسنن (حنفی، شافعی و حنبلی) و تشیع، دین قالب کشورهای منطقه است. این محدوده، پیوسته‌گاه سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است. این بخش از آسیا، گهواره تمدن، زادگاه سه دین توحیدی بزرگ، تقاطع حرکت و تجارت، پایگاه امپراتوری‌های پهناور، دارنده ۶۰ درصد منابع نفت جهان، خاستگاه جوش و خروش سیاسی و ایدئولوژیک و محل انفجار آمیزترین کشمکش‌های پایدار پس از جنگ جهانی دوم بوده است، و طی این مدت در مقیاس جهانی، تصور ژئوپلیتیک برخاسته از این منطقه به‌صورت منطقه‌ای رمزآلود، دچار آشوب و جنگ، کانون پراکنش تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی و حکومت‌های خودکامه نمود یافته است. بر این پایه، کاربرد واژه «منطقه جنوب‌غرب آسیا» به جای «خاورمیانه»، واقعیتی جغرافیایی است، هرچند هنوز واژه «خاورمیانه» کاربرد گسترده‌تری در ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل دارد (Kavyani Rad et al, 2017, 39).



نقشه ۱. جنوب غرب آسیا (https://gama.ir/)

۲-۳. موقعیت جمهوری اسلامی ایران در جنوب غرب آسیا

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری آزاد و مستقل و به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، همواره در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بوده است. صدور تفکر مقاومت و مبارزه با استعمار، امپریالیسم، استبداد و خودکامگی، و نیز پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک، و همچنین نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ه.ش در بعد داخلی، و مقاومت ۸ ساله دفاع مقدس و مدیریت بحران هسته‌ای در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، از نمونه‌های بارز و تاریخی این نقش‌آفرینی‌هاست. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران به شکل عملی و عینی، برخی کشورهای اسلامی غرب آسیا را پس از چندین دهه از انزوا و سکون خارج کرده و به سوی همگرایی سوق داده، و انرژی آزاد شده آن‌ها را به عنوان موتور محرکه همه تحولات و خیزش جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی درآورده، و مردم مسلمان منطقه به‌ویژه غرب آسیا را

نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرده است (Noorani, 2016).

از سوی دیگر، طلسم شکست‌ناپذیر بودن غول استعمار و امپریالیسم را ابطال کرده، و این مسئله خود جسارت و اعتمادبه‌نفس را به ملت‌های مسلمان و به‌ویژه غرب آسیا بازگردانده است. همچنین در فرآیند ظهور، توسعه و تثبیت خود، به عامل منحصر به فردی در احیا، پایداری و توسعه بیداری اسلامی، و در شرایط کنونی به مرکز ساماندهی همگرایی اسلامی در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است. ملت‌های مسلمان منطقه و جریان‌های فعال متأثر از متن مردم جوامع اسلامی، شعائر و شعارهای انقلابی ایران اسلامی مانند جهاد، شهادت و ایشار را به‌عنوان اصول اساسی مبارزاتی خود پذیرفته‌اند، و گروه‌های منسجم و سازمان‌یافته کوچک و بزرگ تحت عنوان جنبش‌های اسلامی با استناد به اسلام و اعتقاد به آن، در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ظاهر شده‌اند. لذا باید پذیرفت همگرایی منطقه غرب آسیا با عنوان یک آگاهی جمعی تحت نفوذ جغرافیایی و وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، در شرایط کنونی تبدیل به یک رفتار سیاسی شده و در قالب یک ایده سیاسی ساماندهی شده است (Ibid).

موقعیت جغرافیایی، تاریخ کهن و فرهنگ دیرپا از جمله عوامل تعیین‌کننده در میزان تأثیرگذاری کشورها در ورای مرزهای خود هستند. درواقع می‌توان گفت میزان تأثیرگذاری‌ای که کشورها در نتیجه این عوامل در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی در ورای مرزهای سیاسی خود به دست می‌آورند، قلمرو ژئوپلیتیک آن‌ها را شکل می‌دهد. قلمرو ژئوپلیتیکی عبارت است از فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مرتبطی که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژیک و رسانه‌ای کشور - یا کنشگر - قدرتمند قرار دارد. به عبارت دیگر، کشورها و سرزمین‌ها و فضاهای پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکزی (قطب) قرار دارد، قلمرو ژئوپلیتیکی آن نامیده می‌شود.

در زمینه قلمرو و مرزهای ژئوپلیتیکی، ذکر چند نکته ضروری است:

- هر قلمرو ژئوپلیتیکی دارای کانونی مرکزی و فضایی پیرامونی است؛
- قلمروهای ژئوپلیتیکی هر کشور می‌تواند تک‌متغیره و یا چندمتغیره محدود یا گسترده باشد؛
- قلمروهای ژئوپلیتیکی، مرزهای جغرافیای سیاسی کشورها را درمی‌نورند، یا به عبارتی

فرامرزی هستند؛

• قلمروهای ژئوپلیتیکی تحت تأثیر رقابت‌ها، کنشگران و کانون‌های تولید و انتشار ارزش‌ها، دائماً دچار تغییر می‌شوند، و پس‌روی یا پیش‌روی می‌کنند؛

• بر خلاف قلمروهای جغرافیایی که تعریف‌شده هستند، قلمروها و مرزهای ژئوپلیتیکی بی‌ثبات و دینامیک‌اند؛

• ارزش‌ها و مزیت‌های مورد نظر کنشگران در فضای جغرافیایی انتشار یافته، می‌توانند قلمروها و مرزهای ژئوپلیتیکی آن‌ها را شکل دهند (Hafeznia, 2006, 114-116).

با توجه به مطالب اشاره‌شده، و با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی ویژه و نیز تاریخ کهن و تمدن غنی و فراگیر ایران، دامنه نفوذ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی ایران در کشورها و مناطق ژئوپلیتیک اطراف، آشکار و انکارناپذیر است. ایران کنونی در واقع بازمانده ایران تاریخی است و بخش کوچکی از فلات ایران را در بر می‌گیرد، زیرا در طول تاریخ و به‌ویژه طی دو قرن اخیر، بخش زیادی از سرزمین‌ها و به دنبال آن اقوام ایرانی ساکن در آن را در اثر تجاوزات و دخالت‌های سیاسی قدرت‌های استعماری انگلیس و روسیه از دست داده است (Hafeznia, 2002, 32).

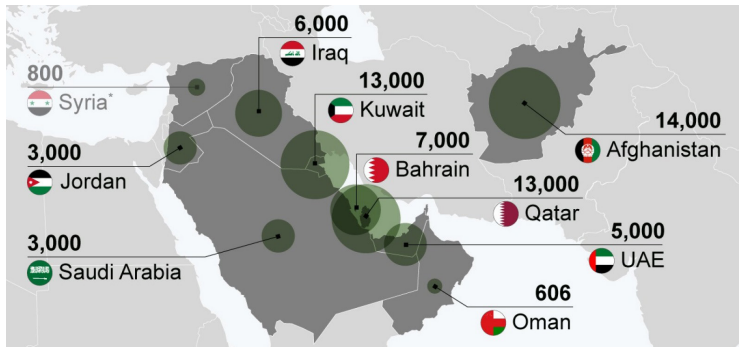
در کنار این ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی، ایران از نظر موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک نیز دارای تأثیرگذاری فرامرزی در کشورها و مناطق پیرامون خود است. ایران از لحاظ حوزه نفوذ ژئوپلیتیک، در بین کشورهای خاورمیانه دارای موقعیت ویژه‌ای است. از آنجا که اکثریت مردم ایران شیعه‌مذهب هستند و در کشورهای همسایه نیز، از پاکستان گرفته تا ترکیه و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، شیعیان فراوانی زندگی می‌کنند، از این نظر نیز بر تأثیرگذاری ایران افزوده شده است. «حسنی مبارک» رئیس‌جمهور (سابق) مصر با اشاره به حوزه نفوذ ایران در بین شیعیان منطقه می‌گوید: شیعیان اکثر کشورها عمدتاً به ایران وفادارترند تا به کشورهای خودشان. در کنار مذهب تشیع، زبان فارسی نیز به‌ویژه در دو کشور تاجیکستان و افغانستان، زمینه‌های نفوذ فرهنگی و به تبع آن همگرایی سیاسی با این کشورها را برای ایران فراهم آورده است (Akhbari et al, 2011, 104).

سرکوب و تضعیف گروه‌های مخالف صلح، که به بهانه و تحت عنوان مبارزه با تروریسم

صورت می‌گیرد، و وجود روابط نزدیک بین این گروه‌ها و ایران، دربردارنده تأثیر منفی بر میزان نفوذ ایران در منطقه خاور میانه است. آمریکا و اسرائیل با دستاویز قرار دادن رابطه ایران با گروه‌های فلسطینی، به منافع ایران ضربه می‌زنند و علاوه بر فشارهای مستقیمی که بر اساس آن آمریکا خود محدودیت‌هایی را برای ایران ایجاد می‌کند، متحدانش را نیز برای همراهی با آن کشور برای تحریم و ایجاد محدودیت‌های مختلف و در نهایت انزوای ایران، زیر فشار قرار می‌دهد (Ibid, 105).

۳-۳. منطق سیاست خارجی ایالات متحده

منطق غالب سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، برتری‌جویی بوده است. منطق برتری‌جویی که برگرفته از مفهوم ثبات هژمونیک است، از ایالات متحده به‌عنوان قدرتمندترین کشور جهان می‌خواهد با توجه به ضرورت کارکرد مؤثر نظام‌های بین‌المللی، رهبری جهانی را بر عهده گیرد و برتری توان خود را برای انجام این کار حفظ کند. از این منظر، کارکرد مؤثر نظام‌های بین‌المللی برای منافع ملی ایالات متحده اساسی است. مفهوم ثبات هژمونیک متأثر از مکتب رئالیسم است. مکتب رئالیسم، اساس نظام بین‌الملل را قدرت و مبنای قدرت ملی را قدرت نظامی می‌داند. پرواضح است که برآمدن آمریکا به‌عنوان ابرقدرت جهانی بعد از جنگ جهانی دوم، با تکیه بر قدرت نظامی بود. به‌طورکلی، ارتش و نیروهای مسلح به‌عنوان بخشی پایدار و دائمی از قدرت نظامی آمریکا و غرب به‌طور عام، پیوسته نقش تعیین‌کننده‌ای در مجموعه سیاست‌های خارجی و امنیتی داشته‌اند. قدرت نظامی، پیوستگی حضور خود را در معادلات سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای آمریکا در دوران بعد از جنگ جهانی دوم حفظ کرده، و در جنگ سرد، یکی از عوامل تعیین‌کننده توازن قوا میان شرق و غرب بود. بعد از پایان جنگ سرد، چهارچوب جدیدی از نظر مناسبات میان قدرت‌های بزرگ در دنیا به وجود آمد و نظام دوقطبی دگرگون شد، اما حساسیت و اهمیت قدرت نظامی برای آمریکا به هیچ وجه کم نشد؛ بلکه بلافاصله بعد از پایان جنگ سرد، این نکته مورد تأکید قرار گرفت که آمریکا یک ابرقدرت جهانی است و معادل و برابری از نظر قدرت نظامی ندارد. ظهور آمریکا به‌عنوان ابرقدرت جهانی آن‌هم با تکیه بر قدرت نظامی، باعث شد تا برتری‌جویی به موضوع مهمی در اندیشه‌ورزی سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل شود و از اواخر دهه ۱۹۴۰ به بعد، منطق غالب آن کشور باشد (Kavyani Rad et al, 2017, 36).



نقشه ۲. فروش تسلیحات به کشورهای جنوب غرب آسیا توسط ایالات متحده (cicir.ac.cn, 2020)

۳-۴. نگاهی به تحولات غرب آسیا

غرب آسیا در گذشته و حال، صحنه دائمی مبارزه است که متأخرترین تحولات مهم آن عبارتند از: گرایش آشکار آمریکا برای سیطره کامل و ایجاد سلطه خود بر جنوب غرب آسیا، اشغال عراق و افغانستان، بی ثباتی و جنگ های فرقه ای در کشورهای مختلف منطقه، جنگ های پی در پی علیه حزب الله و نیروهای فلسطینی، بیداری اسلامی، تلاش برای تغییر دولت اسد و خارج کردن آن از محور مقاومت، تلاش برای تجزیه عراق و سوریه، کودتا در ترکیه و آغاز جنگ داخلی در این کشور، و نیز در این اثنا، حمله ضدانسانی رژیم سفاک آل سعود به مردم مظلوم یمن، نمونه های بارزی از تحولات اخیر در منطقه و ایجاد بحران های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا بوده است (Noorani, 2016).

۳-۵. برخی از افت و خیزهای منطقه پس از جنگ سرد

- معادلات ۱۹۹۳ اسلو که روابط اسرائیل و ساف را مستقیم تر کرد و راه را برای تشکیل دولت فلسطینی هموارتر ساخت؛
- معادلات صلح ۱۹۹۴ اردن اسرائیل که از اردن و فلسطین در برابر نیروهای داخلی بی ثبات کننده ایجاد شده بر اثر اخراج آوارگان فلسطینی محافظت نمود؛
- عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰؛
- ادامه دور خشونت ها میان عوامل انتفاضه فلسطینی ها و اسرائیل و گسترش شهرک های یهودی از سوی اسرائیل؛

- ناتوانی اسرائیل و سوریه بر سر به توافق نرسیدن بر سر تپه‌های جولان (Buzan & Wæver, 2009, 122).

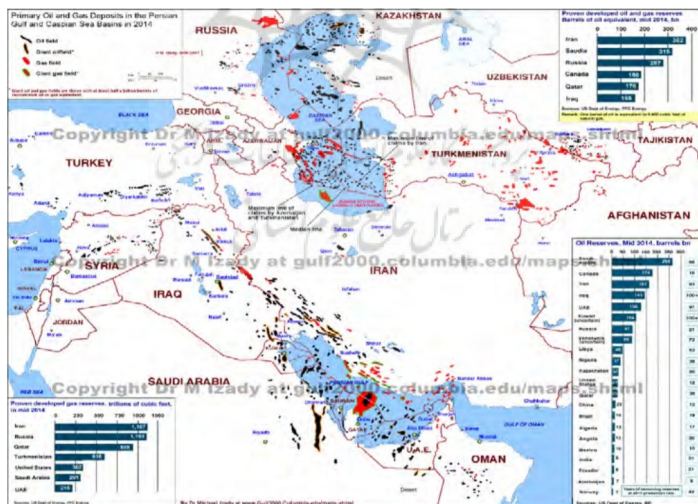
۴. یافته‌ها

۴-۱. بنیان‌های ژئوپلیتیک کشور ایران

کشور ایران با بنیان‌های ژئوپلیتیکی خود که متأثر از جغرافیای آن است، در طول تاریخ همواره مورد توجه کشورهای جهان و به‌ویژه قدرت‌های جهانی بوده است. استفاده از این ظرفیت و شرایط در جهت رونق اقتصادی کشور، بستگی به توانایی دولتمردان و نوع و ساختار نظام‌های حکومتی در تدوین سیاست خارجی داشته است که چقدر توانسته‌اند در جهت دگرگونی فضای اجتماعی و شیوه معیشت اقتصادی مردم مؤثر باشند. با جهان‌شدن اقتصاد، بنیان‌های ژئوپلیتیک ایران بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و ایران ناگزیر وارد چرخه دیگری از حیات سیاسی و اقتصادی خود شد که نمی‌توانست بی‌نصیب از تحولات اقتصاد سیاسی بین‌الملل باشد؛ به‌گونه‌ای که ابزارهای کنترل فرآیندهای اقتصادی آن، خارج از مرزها و بر وابستگی و پیوند اقتصادی و گاهاً سیاسی متقابل ایران با دیگر دولت‌ها فراهم شد و به‌صورت یک‌طرفه تعریف و تحمیل گردید. بدین ترتیب، اقتصاد ایران از نظر جهانی به اقتصادی دولتی، درون‌گرا، با درجه آزادی اقتصادی بسیار ضعیف و خطرپذیری ملی بسیار بالا تبدیل شده است. به عبارت دیگر، «دولت ایران در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل از این شرایط و موقعیت ژئوپلیتیک به‌عنوان ابزاری برای بهینه‌سازی ثروت و افزایش قدرت ملی کشور نتوانسته بهره‌برداری کند (Sajjadpour et al, 2011, 11).

۴-۲. قرارگرفتن در کانون بیضی انرژی جهان

با تحولات صورت‌گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیکی و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که از نظر کارکرد به‌سان قلب جهان عمل می‌نماید، زیرا ایران بین دو انبار انرژی جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر قرار دارد و موقعیت بی‌بدیلی در این عرصه در جهان دارد. بر همین مناسبت که جفری کمپ، متأثر از نظریه هارتلند مرکزی مکیندر، از این منطقه به‌عنوان «بیضی انرژی» یا «هارتلند انرژی» یاد می‌کند (Kemp, 2004, 13).



نقشه ۳. موقعیت ژئوانرژی ایران (Source: lib.utexas.edu, 2017)



نقشه ۴. بیضی استراتژیک انرژی (Mojtahedzadeh, 2002, 284)

وجود روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه، ضمن اینکه از نظر ژئواکونومیک باعث افزایش قدرت اقتصادی کشور می‌گردد، در درازمدت این کشورها را تا حدودی به واردات انرژی از ایران وابسته می‌کند. در نتیجه، افزایش نقش ایران در امنیت انرژی منطقه‌ای می‌تواند ضمن متصل نمودن ایران به امنیت انرژی جهانی، همزمان منافع امنیت ملی کشور را نیز مرتفع سازد (Mehrabi & Mahdian, 2010, 156).

هم‌اکنون بین ۷۰ تا ۸۰ درصد درآمد ملی کشورهای منطقه به نفت وابسته است. این کشورها از کشورهای تک‌محصولی و وابسته به نفت و قیمت آن هستند و با کمی نوسان در قیمت‌های نفت، دچار ضرر و زیان‌های هنگفت مالی می‌شوند. همین عامل وابسته بودن به درآمدهای نفت، دلیلی برای ایجاد یک استراتژی در سطح ملی برای کشورها شده تا این‌گونه متصور شوند که عامل ناامنی در منطقه را که عمدتاً پیگانگان در منطقه شایعه کرده‌اند، حربه‌ای برای عدم سرمایه‌گذاری در میان کشورهای همسایه و ایجاد یک بازار مشترک تجاری و بازرگانی قرار دهند (Mehrabi, 2010, 18).



نقشه ۵. موقعیت ژئواکونومیک ایران (Source: IEA: 2013)

۳-۴. مسیر ترانزیتی انتقال انرژی

وجود روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه، ضمن اینکه از نظر ژئواکونومیک باعث افزایش قدرت اقتصادی کشور می‌گردد، در درازمدت این کشورها را تا حدودی به واردات انرژی از ایران وابسته می‌کند. در نتیجه، افزایش نقش ایران در امنیت انرژی منطقه‌ای می‌تواند ضمن متصل نمودن ایران به امنیت انرژی جهانی، همزمان منافع امنیت ملی کشور را نیز مرتفع سازد (Mehrabi & Mahdian, 2010, 156).

هم‌اکنون بین ۷۰ تا ۸۰ درصد درآمد ملی کشورهای منطقه به نفت وابسته است. این کشورها از کشورهای تک‌محصولی و وابسته به نفت و قیمت آن هستند و با کمی نوسان در قیمت‌های نفت، دچار ضرر و زیان‌های هنگفت مالی می‌شوند. همین عامل وابسته بودن به درآمدهای نفت، دلیلی برای ایجاد یک استراتژی در سطح ملی برای کشورها شده تا این‌گونه متصور شوند که عامل ناامنی در منطقه را که عمدتاً بیگانگان در منطقه شایعه کرده‌اند، حربه‌ای برای عدم سرمایه‌گذاری در میان کشورهای همسایه و ایجاد یک بازار مشترک تجاری و بازرگانی قرار دهند (Mehrabi, 2010, 18).

سرزمین ایران می‌تواند مسیر انتقال بین آسیای مرکزی و اقیانوس‌های دنیا باشد. نظر بایف تصریح کرده است که علاقمندان به ارسال نفت و گاز از کشور مطبوعش به سمت جنوب از طریق ایران به خلیج فارس می‌باشد که از آنجا امکان صادرات به هندوستان چین اروپا و سایر نقاط دنیا فراهم گردد. در حال حاضر قزاقستان تنها بخش اندکی از نفت خویش را به ایران جهت سوپاپ ارسال می‌کند که سالانه بیش از یک میلیون بشکه از طریق آکتائو بخش جنوب غربی قزاقستان به خلیج فارس انتقال می‌یابد. بهبود امکانات بخش آکتائو موقعیت خوبی در اختیار قزاقستان نیز در اختیار می‌گذارد تا از هر گونه وضعیت ایران بهرمند گردد. سران روسیه و هندوستان در پی ایجاد یک مسیر خط راه آهن که روسیه و خلیج فارس را از طریق قزاقستان ترکمنستان و ایران عبور می‌کند، می‌باشد. (Mottaghi, 2013, p. 32)



نقشه ۶. موقعیت ایران در مسیرهای انتقال نفت از آسیای مرکزی حوزه خزر و قفقاز (Source: IEA, 2008)

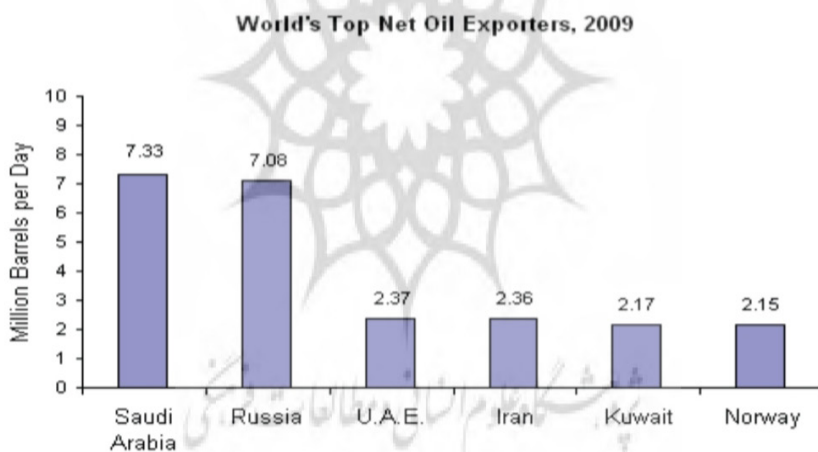
۴-۴. تسلط بر تنگه راهبردی هرمز و داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان

در اختیار داشتن تنگه هرمز و برخورداری از موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط بر مهم‌ترین و بزرگ‌ترین گلوگاه انرژی جهان کرده است. در اهمیت تنگه هرمز همین بس که می‌توان گفت برای ایران و جهان صنعتی، آمیزه‌ای از جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت است که با موقعیت حساس خود می‌تواند هم فرصتی برای امنیت اقتصادی و نظامی باشد و هم تهدیدی برای امنیت در همه ابعاد برای ایران و جهان به شمار رود. به عبارتی دیگر، تنگه هرمز یکی از عرصه‌های تنفسی جهان از نظر اقتصادی و به دنبال آن امنیتی است که ایران با تسلط بر آن می‌تواند در جهت مدیریت اقتصادی و سیاسی خود از این موقعیت به خوبی استفاده کند و جهان صنعتی گریزی برای پذیرش این جایگاه ایران ندارد. بنابراین، این تنگه یکی از واقعیت‌های اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند موجبات رشد و پیشرفت آن را فراهم کند و ایران را به اقتصاد نظام جهانی پیوند دهد (Gol-karami et al. 2018, 43).

جدول ۱. مقایسه جایگاه تولید نفت ایران با کشورهای دیگر اوپک (Source: OPEC Annual Statistical Bulletin 2017)

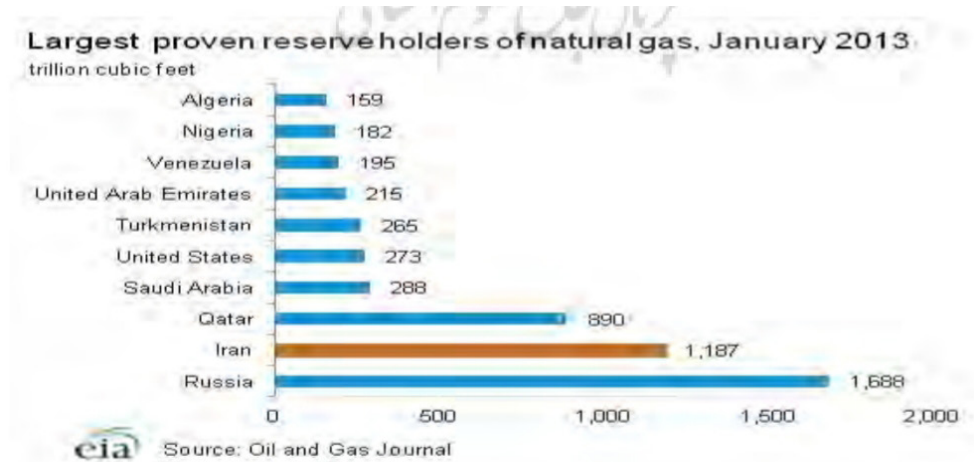
نام کشور	میزان ذخایر نفت (میلیارد بشکه)	سهم جهانی (درصد)
ونزوئلا	۳۰۲,۲۵	۲۴,۸
عربستان سعودی	۲۶۶,۲۱	۲۱,۹
ایران	۱۵۷,۲۰	۱۲,۹
عراق	۱۴۸,۷۷	۱۲,۲
کویت	۱۰۱,۵۰	۸,۳
امارات متحده عربی	۹۷,۸۰	۸
لیبی	۴۸,۳۶	۴
نیجریه	۳۷,۴۵	۳,۱
قطر	۲۵,۲۴	۲,۱
آلجیریا	۱۲,۲۰	۱
آنگولا	۹,۵۲	۰,۸
اکوادور	۸,۲۷	۰,۷

(Source: OPEC Annual Statistical Bulletin 2017)



Source: EIA

نمودار ۱. مقایسه جایگاه و میزان صادرات نفت ایران با سایر تولیدکنندگان بزرگ جهان



نمودار ۲. میزان ذخایر اثبات شده گاز طبیعی ایران در مقایسه با کشورهای جهان

۴-۵. قدرت نرم و مرکزیت فرهنگی

ایران فرهنگی، منظور گستره و سرزمین‌هایی است که در آنجا فرهنگ ایرانی که ریشه‌های اصلی آن از دل تمدن ایرانیاسلامی نشأت گرفته، حضور دارد و نمی‌تواند محدود به مرزهای سیاسی باشد. ایران به واسطه موقعیت جغرافیایی و با داشتن تاریخ کهن و فرهنگ دیرپا، دارای قدرت نرم در ورای مرزهای خود است، زیرا بیشتر کشورهای همسایه و همجوار در امتداد فرهنگ ایرانی و جزئی از ایران فرهنگی، و یا متأثر از آن هستند. منظومه فرهنگی ایران، محصول چند هزار ساله ملتی کهن و برآیند تعامل جمعی گروه‌های قومی است که هویت فرهنگی ایران را شکل بخشیده‌اند و هر یک به سهم خود بر آن لایه‌هایی گوناگون با مؤلفه‌های مثبت و منفی افزوده‌اند و سرانجام در این هویت کلان فرهنگی جذب شده و خود بخشی از آن گردیده‌اند. به عبارت دیگر، هویت فرهنگی ایران چتر فراگیری است که همه گروه‌های قومی را در خویش جای داده است. وجود اشتراکات و پیوندهای تاریخی و فرهنگی بین ایران و کشورهای این منطقه، و نیز استفاده از قلمرو ایران به عنوان اقتصادی‌ترین مسیر برای کشورهای حاضر در این منطقه برای دستیابی به آب‌های آزاد و بازارهای جهانی به دلیل محصور بودن بیشتر آن‌ها در خشکی، فرصت‌های بالقوه‌ای را پیش روی ایران قرار داده و به نوعی موجب می‌شود تا زمینه مناسبی در گام اول برای گسترش مناسبات اقتصادی فراهم گردد. بدین ترتیب، این عامل باعث شده که ایران در میان همسایگانش از قلمرو ژئوپلیتیکی برخوردار باشد و می‌تواند از این موقعیت در

راهبری و تقویت سیاسی و اقتصادی خود در این قلمرو تحت نفوذ فرهنگی‌اش، به‌نحو مؤثری در جهت تقویت اقتصادی خود بهره‌برداری کند. قدرت نرم که شامل قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی است که به‌طور غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد، و ایران می‌تواند با تدوین سیاست خارجی خود به‌عنوان هسته جذاب این قلمرو فرهنگی، به نقش‌آفرینی سیاسی و اقتصادی بپردازد (Golkarami et al, 2017, 49).

۴-۶. قرار گرفتن در کانون ژئوپلیتیک شیعه

ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای خاورمیانه بزرگ با هارتلند ایران است (Pishgahi Fard & Rahmani, 2011, 276). این مؤلفه همواره در سیاست خارجی ایران از گذشته به‌شکلی مطرح بوده است. برخی معتقدند که حتی رژیم گذشته، با وجود باور نداشتن به استفاده از ابزار ایدئولوژیک در پیشبرد سیاست خارجی، به نوعی از ابزار شیعی برای افزایش نفوذ در منطقه استفاده کرده است. حال آنکه انقلاب اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین اتفاق در تاریخ سده‌های اخیر تشیع، در کانون این قلمرو جغرافیایی قرار دارد (Ahmadi, 2011, p. 263) و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان امالق‌قرای جهان اسلام و مبلغ اسلام سیاسی، پایگاه اصلی تشیع در منطقه خاورمیانه است، می‌طلبد از این مؤلفه بیشتر در جهت پیشبرد سیاست‌های اقتصادی خود استفاده نماید؛ چرا که کمربندی از حیات اقتصادی، راهبردی و تاریخی اسلام را در بر می‌گیرد که در واقع از شرق کشور چین و هندوستان آغاز شده و پس از رسیدن به ایران، از طریق عراق و خلیج فارس به سوریه و لبنان می‌رسد (Golkarami et al, 2017, 50).

۴-۷. ایران و راهبرد دفاع - تهاجم ایدئولوژیک (واقع گرایی تدافعی)

با توجه به پراکندگی جغرافیایی شیعیان در سطح گستره خاورمیانه، ایران علاوه بر سایر مزیت‌ها و قابلیت‌های خود (نظیر برخورداری از موقعیت جغرافیایی و ارتباطی استثنایی در منطقه خلیج فارس و جایگاه منحصربه‌فرد در ژئوپلیتیک انرژی)، در دنیای تشیع نیز دارای محوریت است. این عوامل زمینه را برای مدیریت و رهبری ایران در دنیای شیعه فراهم می‌نماید؛ بنابراین، روشن است که این کشور نمی‌تواند نسبت به سرنوشت شیعیان بی‌تفاوت باشد. بدین ترتیب، درک ویژگی‌های جغرافیایی شیعه برای سیاست خارجی ایران یک ضرورت غیرقابل انکار است. از طرفی، بیش از ۷۰ درصد جمعیت خلیج فارس را شیعیان تشکیل می‌دهند؛ منطقه‌ای که بیش از ۶۰ درصد از ذخایر نفت جهان را نیز در خود جای داده است. این ظرفیت جغرافیایی

بالا، در صورت خودآگاهی و رشد سیاسی شیعیان، می‌تواند در آینده ژئوپلیتیک جدیدی را برای منطقه ایجاد نماید. به نوشته باری بوزان و ویور، «مجموعه امنیت منطقه‌ای، مجموعه‌ای از واحدهاست که در آنها فرایندهای عمده امنیت‌یابی، آن‌اندازه در هم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی واحدها عقلاً جدای از یکدیگر نیست» (Sajadpour, 2020, 26). این روند در رابطه ایران و سوریه صدق می‌کند؛ به گونه‌ای که مشکلات اساسی در هر کدام از این کشورها در سیاست داخلی کشور دیگر نیز تأثیرگذار است؛ به نحوی که در جریان بحران سوریه، ایران با وجود مشکلات عمده اقتصادی، سیاست خود را در قبال سوریه بدون تردید اجرا می‌کرد. این امر در استراتژی «دفاعتهاجم» که ریشه در روابط تاریخی بین دو کشور دارد، به وضوح پیداست. استراتژی دفاعتهاجم ایدئولوژیک، استراتژی‌ای است که وضعیت پایدار ایران در مداخله در سوریه را در معرض نمایش می‌گذارد و اساساً این نکته را متوجه نظام بین‌المللی می‌کند که ایران حضوری دائمی در سوریه دارد؛ چراکه بسیاری از کارشناسان معتقد بودند که حمایت ایران از دولت بشار اسد به صورت تدریجی کاهش خواهد یافت و ایران موضع خود را حداقل برای داشتن جایگاهی در حکومت جدید سوریه تغییر می‌دهد؛ اما ایران نه تنها حمایت خود را از سوریه کاهش نداد، بلکه با حمایت همه‌جانبه خود، همگان را شگفت‌زده کرد؛ به طوری که حتی در صدد تغییر معادلات به نفع خود و دولت پیشین سوریه به رهبری بشار اسد بود (Simbar, 2014, 173).

۸-۴. منافع ایالات متحده در جنوب غرب آسیا

جنوب غرب آسیا در عین اینکه یکی از حوزه‌های علائق آمریکاست، امروزه مهم‌ترین چالش ژئوپلیتیک این کشور نیز به شمار می‌رود. دست کم طی دو دهه اخیر، راهبرد ایالات متحده در قالب موارد زیر تعریف می‌شود:

- تضمین جریان انرژی منطقه به ویژه خلیج فارس؛
- پیشبرد فرایند صلح جنوب غرب آسیا؛
- پشتیبانی و تأمین امنیت اسرائیل؛
- ستیز با اسلام سیاسی در قالب مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی؛

- رویارویی با کشورها و بازیگران مخالف منافع ایالات متحده؛
- کوشش برای گسترش اقتصاد بازار آزاد و سکولاریسم در منطقه در پوشش ایجاد دموکراسی (Rashnav & Hamidi Farahani, 2013, 151).

۹-۴. بازتاب اشغال عراق و قدرت ملی ایران

اشغال عراق تأثیر مستقیمی بر قدرت منطقه‌ای ایران داشت، زیرا با تضعیف قدرت ایالات متحده در منطقه و هویت‌یابی و دستیابی شیعیان و کردهای عراقی به حکومت در چندین انتخابات، عملاً قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافت. بنابراین، بازی‌باخته ایالات متحده در عراق، بیشترین پیروزی را برای ایران داشته است؛ به‌گونه‌ای که نه‌تنها عراق تهدیدی برای ایران نیست، بلکه فرصتی است که تصمیم‌گیرندگان برای عراق و منطقه ناگزیرند نقش ایران را به‌عنوان بازیگر اصلی و مؤثر در نظر بگیرند. چنان‌که پنج وزیر خارجه ایالات متحده اعتراف می‌کنند که رئیس‌جمهور آینده آمریکا باید با متحدان کلیدی‌اش همکاری نزدیک داشته باشد و با ایران تعامل نموده و از اختلاف با چین و روسیه بپرهیزد. کسینجر می‌گوید: «من طرفدار مذاکره با ایران هستم» یا در جای دیگر آبرایت: «اینکه ما باید با ایران تعامل داشته باشیم جدی است، زیرا جنگ در عراق ایران را قدرتمندتر کرده است.» پاول: «تعامل با ایران را هر چه زودتر عملی کنیم، ما از چه می‌ترسیم؟» جیمز بیکر: «وقتی اسرائیل با سوریه وارد مذاکره شده است، چگونه بگوییم با ایران مذاکره نمی‌کنیم؟» و یا وارون کریستوفر: «ارتش آمریکا نواقصی دارد که ما نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم؛ گزینه‌های نظامی بسیار ضعیف‌اند» (Jafarinia, 2020, 15-16).

۹-۴-۱. منافع مشترک بالقوه

اگر اوضاع و احوال تاکتیکی به این دو کشور اجازه دهد که به‌جای روند طبیعی رقابت، منافع متقابل را دنبال کنند، علایق بالقوه مشترکی میان بغداد و تهران وجود دارد. این علایق مشترک عبارتند از: مسئله کردها، تهدید یا فشار بالقوه از ناحیه اتحاد شوروی، مداخلات خارجی دیگر در خلیج فارس، و همکاری‌هایی علیه اسرائیل. چنانچه یک رژیم شیعه در بغداد به قدرت برسد، علایق منطقه‌ای مشترک بیشتری با تهران خواهد داشت (Fuller, 1994, 60).

۱۰-۴. چالش های پیش روی ایران

ایران در مناسبات و روابط سیاسامنتی خود با کشورهای منطقه و به ویژه پس از پایان جنگ ایران و عراق، همواره تلاش کرده است نظر مساعد و اعتماد و اطمینان خاطر آنان را نسبت به خود جلب نماید و در کنار آن، همواره نسبت به همکاری و مشارکت با آمریکا در طرح های امنیتی و مانورهای نظامی مشترک، خلاف مصالح و منافع ایران هشدارهای جدی داده است. با مطرح شدن برنامه انرژی هسته ای ایران، غرب با مجموعه ادعاها و سم پاشی های گسترده قصد دارد این گونه به افکار عمومی مردم خاورمیانه و جهان القا کند که برنامه هسته ای ایران در نهایت به تولید بمب اتمی و سلاح کشتار جمعی ختم می شود. اظهارنظرهای رسمی و آشکار غرب در تبیین برنامه های تسلیحاتی هسته ای ایران، همچنان تأکید دارد که ایران خطری جدی برای کشورهای جنوب غرب آسیا است و باید به مقابله با آن برخاست. از طرف دیگر، غرب با توسل به انواع تمهیدات دیپلماتیک و تبلیغات سیاسی، از مشارکت فعال و مستقیم ایران در هرگونه نظام امنیتی منطقه به ویژه خلیج فارس جلوگیری کرده است. با وجود تمام روندهای نظری و عملی مثبت ایران به منظور جلب اعتماد و اطمینان کشورهای منطقه، شاهد اعلام تهدیدهای سیاسی و نظامی آمریکا علیه ایران و نیز تبلیغات منفی و کارشکنی های آن کشور و انگلیس برای جلوگیری از نزدیک شدن و توسعه دوستی و تفاهم بیشتر ایران و کشورهای منطقه هستیم، و کشورهای منطقه به ویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس، تحت تأثیر سیاست های هسته ای آمریکا در منطقه، به شکل مشترک در پی متوقف نمودن برنامه هسته ای ایران هستند (Kavyani Rad, 2017, 64).

۱۱-۴. ائتلاف سازی منطقه ای

یکی از راه های مؤثر برای ایجاد شکاف در قدرت هژمونیک آمریکایی، ایجاد زمینه برای ظهور ائتلاف های جدید است. اگر کشورهای منطقه، قابلیت های لازمه برای همبستگی ایدئولوژیک، پیوندهای دینی و سیاسی، هماهنگ سازی منافع مشترک، هنجارها و همگامی تاکتیکی را به دست آورند، ائتلاف سازی و همگرایی منطقه ای فراهم خواهد شد. قدرت منطقه ای ایران در صورتی حاصل می گردد که از طریق فضای منطقه ای بوده و امکان متعادل سازی منافع منطقه ای کشورهای منطقه با این دیپلماسی قوی باشد، و نقش خود را برای کاهش تهدیدات بین المللی با کسب مطلوبیت لازم در ائتلاف سازی ایفا نماید (Agahi & Abdi, 2017, 119).

۱۲-۴. ضرورت ها و زمینه های بسط حوزه ژئوپلیتیکی ج.ا.ا در جنوب غرب آسیا

رمز بقای حکومت در داشتن توان دگرگونی به منظور تطبیق با پیشرفت های فکری و سیاساجتماعی در جامعه و جهان نهفته است. این حکم با قانون یا پدیده های زنده هماهنگی دارد. یک حکومت، در مقام «پدیده ای زنده (ارگانیکی)» و متشکل از موجودات زنده، مانند فردی سیاسی، اگر متعصبانه چشم بر دگرگونی های زمان فرو بندد و توانایی هر گونه تحول در راستای هماهنگ شدن با گذران تدریجی تکامل را از دست بدهد، نارسا و ناکامل بر جای می ماند و ادامه این وضعیت سبب نابودی آن حکومت خواهد شد. نگاهی به ساختارهای سیاسی حکومت ها در قرن بیستم آشکار می سازد که حکومت های سنتی تنها در نتیجه پذیرفتن دگرگونی ها، با نوگرایی تطبیق یافته و بقای خود را دوام بخشیده اند. شاید پادشاهی های بریتانیا و هند مثال خوبی برای این حقیقت باشند. سایر نظام های حکومتی سنتی، مانند نظام های پادشاهی پیشین ایران، با اینکه برای تکامل اقتصادیا اجتماعی جامعه گام برمی داشتند، به علت ناتوانی در دگرگون کردن خود در راه تکامل از بین رفتند (Mojtahedzadeh, 2002, 125). پس از انقلاب اسلامی، مهم ترین عامل تأثیرگذار در تحول ژئوپلیتیکی ایران و نیز مبنای تعاملات و کنش های ژئوپلیتیکی ایران با ساختار ژئوپلیتیک منطقه ای و جهانی، اندیشه ها و مفاهیم برآمده از انقلاب است. به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک ایران وابسته به مبانی انقلاب اسلامی است که موجب انبساط فضایی ژئوپلیتیک ایران و متعاقب آن افزایش قدرت ملی کشور شده است. انقلاب اسلامی و انگاره های آن، مؤلفه ای است که توانسته ایران را در سطح یک ابرقدرت جهانی شکل دهد (Hafeznia et al, 2012, 19). این مسئله اگرچه برای اقدام آغازین لازم و دور از اجتناب بود، اما عدم استفاده از تمامی انرژی اسلام به عنوان مبنایی برای تولید قدرت، عامل انسداد خواهد بود (Bakh- tiarpour & Ezzati, 2010, 2). نفوذ ایران در منطقه، نفوذی معنوی است که می باید به وسیله سازوکارهای سیاسی تجهیز و مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه، موتور محرک سیاست خارجی ایران در گفتمان سیاسی دولت ایران نهفته است و سپس به مانورهای سیاسی برمی گردد. ایران باید به تناسب شرایط موجود، تحولی در گفتمان خود ایجاد نماید، اما این بدان معنی نیست که اساساً گفتمان شیعی را رها سازیم؛ بلکه از آنجا که ظرفیت های درون انقلاب آن چنان است که تمامی جهان اسلام را پوشش می دهد، در نتیجه به تناسب چنین ظرفیتی، ظرف گفتمان انقلاب نیز می باید به گونه ای باشد که در عین حفظ هویت شیعی خود، تمامی اندیشه های اسلامی را که می توانند در چهارچوب عزتمندی و احیای جهان اسلام مؤثر افتند، بپذیرد (Ibid, 9-10).

بنابراین، ج.ا.ا از سه بعد ژئوپلیتیک، انرژی و فرهنگیایدئولوژیک، ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌الملل را دارد. افزون بر آن، ایران خود زمانی تشکیل‌دهنده نظم بین‌المللی بوده است. از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به‌نحوی است که در همسایگی قدرت‌های مهمی چون روسیه و حوزه نفوذ آمریکا (جنوب خلیج فارس) قرار گرفته و در مناطقی واقع شده که قدرت‌های بزرگ منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، و به‌طور طبیعی جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد (Janparvar et al, 2017, 60).

۵. تجزیه تحلیل و نتیجه‌گیری

بستر و زمینه‌های اصلی مناسبات بین کشورها در سال‌های نخست قرن بیست و یکم، متأثر از عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی یا به عبارت دیگر جغرافیای محلی و بین‌المللی آن‌هاست. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در پهنه جغرافیای سیاسی غرب آسیا، توانسته است به‌واسطه وجود نیروها و عوامل مثبت ژئوپلیتیکی خود از جمله ورود به صحنه تحولات منطقه‌ای، نقش بسزایی در ایجاد نظم نوین منطقه‌ای ایجاد کند، لذا این یادداشت با تأکید بر عناصر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، سعی در تبیین ضرورت حضور جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه غرب آسیا دارد. بر این اساس باید گفت ارزیابی ضرورت و بنیان‌های ژئوپلیتیکی ج.ا.ا برای تعیین و شناخت قدرت منطقه‌ای با توجه به پارامترهای اساسی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، برای افکار عمومی خالی از لطف نیست.

استراتژی آمریکا در غرب آسیا در این سال‌ها دچار تحول شده و هنوز به ثبات نسبی نرسیده است. این تحول استراتژی ناشی از تغییرات در منافع و اهداف آمریکا در غرب آسیا بوده است و همین موضوع بر ابزارهای سیاست خارجی این کشور در غرب آسیا نیز تأثیر گذاشته است.

ج.ا.ا با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است. ایران بین دو انبار انرژی جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر قرار دارد و موقعیت بی‌بدیلی در این عرصه در جهان دارد. در نتیجه، افزایش نقش ایران در این منطقه می‌تواند ضمن متصل نمودن ایران به کریدور جهانی انرژی، همزمان منافع امنیت ملی کشور را نیز مرتفع سازد.

ایران با تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز می‌تواند در جهت مدیریت اقتصادی و سیاسی خود از این موقعیت به خوبی استفاده کند. بنابراین، این تنگه یکی از واقعیت‌های اقتصاد سیاسی

جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند موجبات رشد و پیشرفت آن را فراهم کند و ایران را به اقتصاد نظام جهانی پیوند دهد.

ایران در میان همسایگانش از قلمرو ژئوپلیتیکی برخوردار است و می‌تواند از این موقعیت در راهبری و تقویت سیاسی و اقتصادی خود در این قلمرو تحت نفوذ فرهنگی‌اش، به‌خصوص محوریت در جهان اسلام و کانون ژئوپلیتیک انرژی منطقه، به‌نحو مؤثری در جهت تقویت اقتصادی خود بهره‌برداری کند. قدرت نرم که شامل قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی است که به‌طور غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد، و ایران می‌تواند با تدوین سیاست خارجی خود به‌عنوان هسته جذاب این قلمرو فرهنگی، به نقش‌آفرینی سیاسی و اقتصادی بپردازد.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحولات به‌وجودآمده پیرامونی و منطقه‌ای، باید برای بسط حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی خود به منظور تأمین اهداف و منافع ملی و تمامیت ارضی در جنوب‌غرب آسیا، ضمن انطباق خود با این تحولات، برای پیشبرد سیاست خارجی در راستای بسط قلمرو ژئوپلیتیکی، محورهای سیاست عملی خود را براساس دو محور ضرورت‌ها و بنیان‌های ژئوپلیتیکی‌اش پیش ببرد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Aghaei Hossein, Abdi Fars (2018). An Investigation of the Current Situation of the Southwest Asian Region (Foundations of Integration in Southwest Asia). Journal of Southwest Asian Studies, Year 1, No. 3, Fall. [In Persian]
- Ahmadi, Abbas (2011). Iran, the Islamic Revolution, and Shiite Geopolitics. Tehran: Andisheh Sazan-e Noor Institute Publications. [In Persian]
- Akbari Mohammad, Abdi Ataollah, Mokhtari Hashti Hossein (2011). Iran's Geopolitical Position and America's Efforts to Establish its Hegemony in the World (Case Study: The Greater Middle East Initiative). Human Geography Research Quarterly, No. 75, Spring. [In Persian]
- Bakhtiar Pour Ali, Ezzati Ezzatollah (2010). Expansion of Iran's Geopolitics in the Arab Middle East by Drawing an Expansion Model in the Eastern. [In Persian]Mediterranean. Geographical Territory Research Quarterly, Year 7, No. 27, Fall. [In Persian]
- Buzan, Barry, & Wæver, Ole (2009). Regions and Powers (Rahman Ghahremanpour, Trans.). Tehran: Institute for Strategic Studies Publications.
- Educational Textbook for 8th Grade Social Studies (2017). Lesson 19: Characteristics of the Southwest Asian Region with Answers. Retrieved from https://gama.ir/
- Fuller, Graham (1994). The "Center of the Universe": The Geopolitics of Iran (Abbas Mokhber, Trans.). Tehran: Markaz Publications.
- Golkarmi Abed, Karimipour Yadollah, Mottaghi Afshin, Rabiei Hossein (2018). Explaining the Geopolitics of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran with an Emphasis on Geo-economic Capabilities. Research Journal of Applied Geographical Sciences, Year 18, No. 49, Summer. [In Persian]
- Hafeznia Mohammad Reza, Ahmadipour Zahra, Al Boye Chamran (2012). Explaining the Factors Affecting the Formation of the Geopolitical Realms of the Islamic Republic of Iran. Iranian Journal of International Politics, Year 1,

No. 1, Fall & Winter. [In Persian]

Hafeznia Mohammad Reza, Ahmadipour Zahra, Al Boye Chamran (2012). The Islamic Revolution and the Emergence of Iran's New Geopolitics. Research Quarterly of Islamic Revolution Studies, Year 2, No. 5, Winter. [In Persian]

Hafeznia, Mohammad Reza (2002). Fundamentals of Iran's Political Geography. Tehran: Samt Publications. [In Persian]

Hafeznia, Mohammad Reza (2006). Principles and Concepts of Geopolitics. Mashhad: Papeli Publications. [In Persian]

Hosseinpour Pouyan Reza (2013). Explaining the Geographical and Geopolitical Components of Relations in Geopolitical Regions. Geopolitics Quarterly, Volume 9, No. 30, Summer. [In Persian]

[http:// www. ELA. Doe.Gov](http://www.ELA.Doe.Gov)

[http:// www. IEA. Org](http://www.IEA.Org)

Jafariniya Abbas (2020). The Geopolitical Foundations of Iran's Relations with Modern Iraq. New Attitudes in Human Geography Quarterly, Year 12, No. 4, Fall. [In Persian]

Janparvar Mohsen, Ghorbani Sepehr Arash, Khodadad Mehdi (2017). An Analysis of the Geopolitical Position of Islamic Iran as the Steward of Regional Power in the World System. Policy Research, Volume 4, No. 7, Fall. [In Persian]

Kavyani Rad Morad, Ghanbarpour Abdollah, Dalalat Morad (2017). The Impact of the US Pacific-Oriented Approach on the Security of Southwest Asia (with an Emphasis on the National Security of the I.R. Iran). Geopolitics Quarterly, Year 13, No. 1, Spring. [In Persian]

Kemp, Geoffrey, & Harkavy, Robert (2004). Strategic Geography of the Middle East (Seyed Mehdi Hosseini Matin, Trans.). Tehran: Institute for Strategic Studies.

- Mehrabi Alireza (2010). The Persian Gulf as the Foundation for the Geo-economic Union of the Islamic World in the 21st Century. Paper presented at the Fourth International Congress of the Islamic World Geographers (ICIWG 2010), Zahedan. [In Persian]
- Mehrabi Alireza, Mahdian Hossein (2010). Energy and Iran's National Security. Tehran: Entekhab Publications. [In Persian]
- Mojtahedzadeh Pirouz (2002). Political Geography and Geographical Politics. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
- Mojtahedzadeh Pirouz, Hosseinpour Pouyan Reza, Ahmadipour Zahra (2010). Geographical and Geopolitical Foundations of Relations in the Indian Subcontinent. Subcontinent Studies Quarterly, No. 5, Winter. [In Persian]
- Mottaghi Afshin (2013). A Geopolitical Analysis of the Power Components of the Islamic Revolution in the Islamic World. Research Quarterly of Islamic Revolution Studies, Year 2, No. 6, Spring. [In Persian]
- Pishgahi Fard Zahra, Mohammad Ali Rahmani (2011). Territorial Ambitions of Iran and America in the Middle East (2nd ed.). Tehran: Publications of the Geographical Organization of the Armed Forces. [In Persian]
- Rashnavo Nabiollah, Hamidi Farahani Homayoun (2013). A Look at the Geopolitics and Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: National Center for Globalization Studies. [In Persian]
- Sajjadpour Seyed Mohammad Kazem, Akshi Masoud (2020). Causes of the Formation of Anti-Systemic Groups in International Relations: A Case Study of the Middle East (ISIS). NAJA Strategic Studies Quarterly, Year 5, No. 15, Spring. [In Persian]
- Sajjadpour, Seyed Mohammad Kazem, Shahabi, Sohrab, Ghaffari, Masoud, Sadeghi, Shamseddin (2011). The New Structure of International Political Economy and Iran's Energy Geopolitics (Case Study: Caspian Sea Basin). Political and International Approaches, No. 11. [In Persian]

Simbar, Reza, Ghasemian Roohollah (2014). Fundamental Components of the Security Environment of Iran and Syria. Strategic Policy Research Quarterly, Year 3, No. 9. [In Persian]

Xinning, Niu (2020). America's Strategy in West Asia: Confusion in a Time of Transition (Vahid Ghorbani, Trans.). Institute for Strategic Studies, Expediency Discernment Council, Report from a Chinese Think Tank. Retrieved from [<http://www.cicir.ac.cn/NEW/opinion.html?id=22163311-1638-48ca-8064-4edfffa4d10>] (<http://www.cicir.ac.cn/NEW/opinion.html?id=22163311-1638-48ca-8064-4edfffa4d10>)